

# مشاور تربیت

## پرسش و پاسخ

### دکتر محمدرضا شرفی

سؤال (۱) با سلام حضور مسئولین مجله تربیت، اینجانب مربی تربیتی یکی از مدارس ابتدایی رجایی شهر کرج هستم و نه فقط به جهت نوع شغل، بلکه بیشتر به خاطر علاقه به مسایل تعلیم و تربیت در رفتار تعدادی از دانش آموزان، دقیق می‌شوم و مایلم بدانم که چرا این قبیل از دانش آموزان دچار اختلالات رفتاری می‌شوند و چگونه می‌توان این قبیل رفتارها را تفسیر نمود؟

(مرتضی - الف) - کرج

پاسخ: ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت روز افزون برای شما و همه عزیزانی که در سنگر مقدس امور تربیتی و عرصه گسترده تعلیم و تربیت، تلاش می‌کنند، باید یادآوری نمود که اختلالات رفتاری، طیف گسترده‌ای دارد و از سساده‌ترین نوع رفتار تا پیچیده‌ترین آنها را در بر می‌گیرد.

نمی‌توان رفتاری را دفعی و ناگهانی تغییر داد.

سؤال (۲) جوانی ۲۸ ساله و ساکن تهران هستم. بعد از گذراندن دوره دانشکده و اخذ لیسانس مدیریت و طی شدن دوره سربازی، در حال حاضر شغل نسبتاً خوبی دارم و در آمد آن نیز برایم کافی می‌باشد. و علاقه مندم که در فرصت مناسبی ازدواج نمایم. لیکن به لحاظ پاره‌ای اختلافات بین والدینم، همیشه نگرانم که می‌باید این وضع تکرار شود و زندگیم دستخوش اختلافاتی نظیر پدر و مادرم شود. تقاضا دارم به این پرسش من پاسخی دهید که تفاوت‌های فرهنگی زن و مرد، تا چه اندازه قابل قبول بوده و چگونه باید با آنها مواجه شد تا زندگی متعادلی را پی ریزی نمود؟

غلامرضا - م از تهران

پاسخ) با سلام حضور شما و آرزوی سعادت و سلامت، باید یاد آوری کنیم که نگرانی شما تا حدودی طبیعی و منطقی است، ولی دلیل قطعی بر تکرار مشکلات و دشواریهای زندگی والدینتان در زندگی شما وجود ندارد زیرا شخصیت آدمی، سازمان بسته و ناگشوده‌ای نیست و امکان نفوذ در شخصیت و تغییر و تحول بخشیدن به آن، همیشه وجود دارد، ولی در سالهای بالاتر زندگی، این امکان محدودتر می‌شود.

تفاوت‌هایی که در مقوله‌های فرهنگی نظیر اعتقادات، ارزشها، ادب و هنر، آداب و رسوم و گرایشهای فکری زن و مرد مشاهده می‌کنیم تأثیراتی در روابط انسانی و اجتماعی، نگرش به زندگی، ازدواج و نحوه استفاده از امکانات و فرصتهای اوقات فراغت آنان بر جای می‌گذارد.

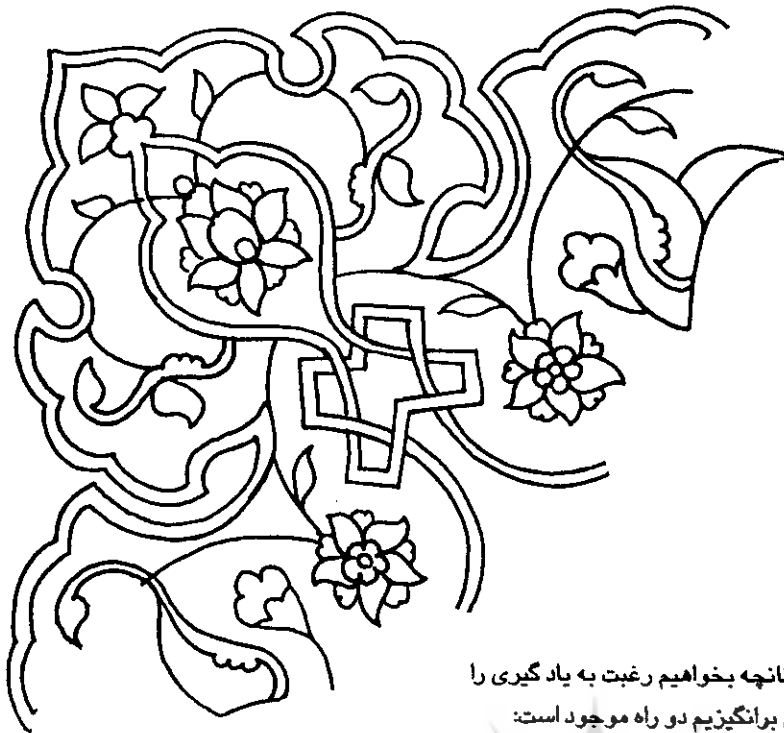
توجه به نکات زیر می‌تواند پاسخگوی سؤال شما باشد.

۱- تفاوتها حکمت‌هایی نهفته است. مانند تفاوت شب و روز یا چهار فصل سال که از بسیاری جهات متفاوتند اما مکمل یکدیگرند. تفاوت زن و شوهر، زمینه ساز آن است که روح یکدیگر را تکمیل کنند.

معمولاً کودکان و نوجوانان، مشکلات خود را از شیوه‌های سه گانه: ارتباط کلامی، علایم بدنی و تظاهرات رفتاری، بروز می‌دهند و در سنین پایین، استفاده از علایم و نشانه‌های بدنی و تظاهرات رفتاری را بر به کارگیری ارتباط کلامی، ترجیح می‌دهند و در سالهای بالاتر، ارتباط کلامی جایگزین شیوه‌های دیگر می‌شود.

جنبه‌های مشترکی که در اختلالات رفتاری قابل تشخیص می‌باشد، عبارتند از:

- ۱- معمولاً هر اختلالی پاسخی به یک ناکامی است.
- ۲- جای پای یک نوع محرومیت عاطفی از کانون خانوادگی در بیشتر اختلالهای رفتاری مشاهده می‌شود.
- ۳- اختلال از یک منبع آغاز شده و به منابع دیگر سرایت می‌یابد به عنوان مثال، ناسازگاری در محیط خانواده به ناسازگاری و عدم انطباق با مدرسه گسترش می‌یابد.
- ۴- برخی از اختلالها به دلیل، عدم تنظیم عادات مطلوب در دوران کودکی شکل می‌گیرد. مواردی نظیر فقدان نظم و انضباط، عدم توانایی در امور و وظایف شخصی، فقدان خود رهبری و استقلال، از این قبیل محسوب می‌شوند.
- ۵- تغییر هر رفتاری همچون تشکیل آن رفتار، تدریجی و محتاج به زمان است و



۲- این قبیل تفاوتها تا آن اندازه که به تفاهم آنها لطمه وارد نکند امری طبیعی و عادی تلقی می‌شود و نباید با آنها به مثابه ابزاری در جهت ناسازگاری برخورد شود.

۳- بیشتر مقوله‌های فرهنگی که نزد زن و شوهر، متفاوت می‌باشند، محصول خانواده‌ها، محیطهای تربیتی و شرایط اجتماعی می‌باشند. لذا خود فرد در پیدایش آنها، نقش چندانی نداشته و ندارد.

۴- برخی از تفاوت‌های فرهنگی که روابط صمیمانه زوجین را تهدید می‌کند، باشیوه‌های مشخص و کاربردی قابل حل و رفع هستند، مشروط بر آنکه به همان اندازه که در اینگونه مباحثات برای خود حق اظهار نظر قائلیم برای شریک زندگی خود نیز قائل شویم.

۵- اینگونه تصور نشود که فقط زندگی خانوادگی ما، آکنده از تفاوت‌های فرهنگی و غیر فرهنگی (نظیر تفاوت سطح رفاه و مادیات زندگی هر یک از زوجین) می‌باشد و دیگران این تفاوتها را ندارند. بلکه وجود پیچیدگیهایی در زندگی مشترک، یک اصل است و تنها شکل تجلی آنها متفاوت است.

**سؤال ۳) با سلام حضور شما، معلم یک مدرسه روستایی هستم و به کار خود عشق می‌ورزم. در حقیقت کلاس و مدرسه و چهره‌های پاک و معصوم بچه‌ها با همه زندگیم عجین شده است. آرزوی من این است که همیشه کلاس باطراوت، موفق و جذابی داشته باشم و همین اندازه نوق و علاقه را در بچه‌ها نیز احساس کنم آیا می‌توانید به من کمک کنید تا چنین کلاسی را با یاری خدا و همکاری بچه‌ها داشته باشم؟**

**محمد حسین - ش از تربیت حیدریه پاسخ:** ما هم حضور شما سلام و تحیات قلبی خود را ابراز می‌نماییم و از اینکه شأن و منزلت معلمی نزد شما همانند یک عشق مقدس، حضور معنوی دارد خوشوقت و مسروریم. همانگونه که اشاره کرده‌اید علاقه بچه‌ها یک اصل مهم در یادگیری است. توانایی بدون کوشش نتیجه‌ای ندارد و کوشش نیز به وجود انگیزه بستگی

دارد. چنانچه بخواهیم رغبت به یادگیری را در آنان برانگیزیم دو راه موجود است:

۱- برانگیختن علاقه مستقیم شاگردان به موضوع درس

۲- برانگیختن علاقه غیرمستقیم آنان به یاد گرفتن آن موضوع

شیوه‌های برانگیختن علاقه مستقیم دانش‌آموزان به درس عبارتند از:

الف- هر یک از شاگردان را به خوبی بشناسیم و به آنان به منزله یک شخصیت قابل احترام و امانت الهی توجه نماییم.

ب- از برقراری پل عاطفی برای ارتباط حسنه میان خود و آنان، بهره گیریم که تاثیر آن تا پایان کلاس و بلکه تا مدتی مدید باقی می‌ماند.

ج- درس را با بیان پرسشی امید بخش آغاز کنیم.

د- به دانش‌آموزان، مسأله‌ای بدهیم تا حل کنند.

ه- برای هر جلسه از کلاس، مطلبی نو و جالب داشته باشیم.

و- وسایل تازه‌ای به کلاس بیاوریم و بگذاریم کودکان آنها را بررسی کنند.

ز- در حضور شاگردان، آزمایشهایی انجام دهیم تا انگیزه خلاقیت و اکتشافات را در آنان تقویت کنیم.

ح- کودکان را برای گردش و تماشای بیرون ببریم تا تجربه مطبوع محیطهای غیر

رسمی و خارج از مدرسه برای دوام، یادگیری غنی‌تر شود.

ط- در مورد روشی نظیر تاریخ یا ادبیات، از شاگردان بخواهیم تا موضوع درس را به صورت نمایش اجرا کنند.

**سؤال ۴) مشاور یکی از دبیرستانهای کرمانشاه هستم برخی از دانش‌آموزان در ارتباطهای متقابلی که با من دارند، اشاره به مشکلات و نگرانیهایی می‌نمایند که وجود آنها را متأثر ساخته است. تلاش من در این گونه موارد، روشن ساختن، علل و عوامل پیدایش آنها و شیوه برخورد مناسب در رویارویی با مسایل می‌باشد، لیکن مایلیم از آسیبهای عمده‌ای که این گروه سنی را تهدید می‌کند، با اطلاع باشم تا در قبال آنان روش مناسب و مقتضی اتخاذ نمایم. قبلاً از لطف و محبت شما و پاسخی که خواهید داد سپاسگزارم.**

**طاهره - خ**

پاسخ: با تقدیم سلام و اظهار خوشوقتی از تلاش خالصانه و مجذانه شما و همه عزیزانی که در حفظ و حراست از ارزشهای اسلام به طور خستگی ناپذیر در تلاش و کوششند، موارد عمده‌ای از آسیبهای دوره جوانی عبارتند از:

الف- دوستیهای نامطلوب که به واسطه ملاک گزینش نادرست، شکل می‌گیرد و معیارهای لازم برای دوست‌گزینی در نظر گرفته نشده و با حفظ نگهداری دوست، منوط به پاکداشتن بر روی معتقدات و باورهای اصیل دینی است. و در نهایت دوستیهای افراطی بین دو همجنس یا ناهمجنس که تعادل روحی آنان را بر هم می‌ریزد.

و در پاره‌ای از موارد دوستیهای خیابانی دو جنس مخالف که با شرایط و معیارهای فرهنگ اسلامی در تعارض می‌باشد، نیز از آسیب‌های ویژه این دوره سنی محسوب می‌شود.

ب- فراغت بی‌ثمر- نحوه تامین اوقات فراغت، برای همه جوانان- یکسان نیست و در مسواری استفاده نامطلوب از اوقات فراغت، خود زمینه ساز بزه‌ها و جرائم اخلاقی و اجتماعی خواهد بود. گسترش دامنه‌های فعالیتهای اوقات فراغت از یک سوی و عمق و غنا بخشیدن بدان از سوی دیگر، راه را بر نفوذ هر عامل انحرافی و آسیب زا مسدود می‌کند، در نتیجه اوقات فراغت از حیث کمیت و کیفیت نیازمند توجه خاص می‌باشد تا آسیبهای ناشی از این حوزه تقلیل یابد.

ج- شکستها و ناکامی‌های مکرر، به گونه‌ای که هیچ فرصتی به فرد برای جبران و ترمیم روحی ندهد، خود یکی از پایه‌های مهم آسیب‌زایی دوره جوانی محسوب می‌شود چنانچه گوش به زنگ حالات روحی این نسل بوده و هرگونه اقدام اطرافیان در جهت تغییر و تحول در محدوده سنی آنان با جلب اعتماد و با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی، اعمال شود، زمینه ساز سلامت روحی و اخلاقی برای جوانان

خواهد بود.

#### د- تعارضهای فرهنگی

هجوم بی‌امان فرهنگ غرب و هدف قرار دادن فرهنگ اسلامی و ایرانی، یک آسیب فکری و اعتقادی محسوب می‌شود، به ویژه قشرهایی از نسل جوان که نسبت به هویت خود، بیگانه اند و پیوند روشنی با فرهنگ خویش ندارند، آسیب پذیری بیشتری دارند. جوانانی که نسبت به فرهنگ بیگانه و مظاهر آن، تحلیل روشنی ندارند، مرعوب چنین تفکری خواهند شد و کمترین آسیبی که به آنان وارد می‌شود، تعارضهای فرهنگی است.

در چنین شرایطی، فردنه آن چنان خود را متعلق به فرهنگ خودی می‌بیند که به دفاع از ارزش‌هایش برخیزد و نه از پیچیدگیهای فرهنگ بیگانه آگاهی دارد که بر آن بتازد و حاصل آن بی‌تفاوتی و یا لغزیدن به راه سومی است که فرجام آن از هم اکنون معلوم است.

#### ه- منفی‌نگری و منفی‌گرایی

رویگرد نسل جوان به جامعه، زندگی خانواده، لزوماً و در همه حال رویگردی معرفتی و عقلانی نیست، در برخی موارد، رویگردی احساسی و عاطفی، او را در قبال جامعه و شرایط آن به موضعگیری خاصی بر می‌انگیزد که از لحاظ منطقی و عقلانی، قابل دفاع نیست و اولین آسیبی که از این رهگذر به جوان وارد می‌شود، فاصله گرفتن از جامعه، خانواده، و پیوندهای میان آنهاست. و در ابعاد وسیعتر، نیروی فعال و خلاق جامعه که مهمترین ثروت هر ملتی است، به مرز بی‌تفاوتی و ایزوله کشیده می‌شود.

یادآوری می‌کنیم شناخت آسیب‌ها مقدمه تدای آنهاست و آسیب شناسی زمینه مطلوبی برای آسیب‌زدایی است. امید که با تکیه بر فرهنگ غنی و گسترده اسلامی بتوانیم نسلی با ایمان و پای بند به مرزهای فکری مطلوب و ارزشهای متعالی پرورش دهیم.

